



واکاوی رابطه میان مهارت های تفکر انتقادی و توانمندی استدلالی در دانش آموزان

فاطمه نصیری، صدیقه بخشی زاده، مهوند ملکیان، اعظم همتی

دبیر جغرافیا متوسطه دوم

مدیر متوسطه دوم

معاون آموزشی متوسطه دوم

دبیر زبان انگلیسی متوسطه دوم



MDOI-02-2026.0337
MNR-351-2-D49F02



چکیده:

در عصر حاضر که با انفجار اطلاعات و چالش های فکری متعددی روبرو است، تجهیز دانش آموزان به ابزارهای ذهنی برای تحلیل و ارزیابی مطالب، از ضرورت های بنیادین آموزش و پرورش و تربیت معارف تبدیل شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی راهکارهای ارتقای مهارت های تفکر انتقادی و توانمندی های کلامی در دانش آموزان انجام شده است. تفکر انتقادی به عنوان فرآیند نظام مند تحلیل و ارزیابی، و علم کلام به عنوان ابزار دفاع از عقاید و تحلیل مبتنی بر استدلال، مکمل یکدیگر در ساختار ذهنی فرد هستند. این تحقیق با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال تبیین این مسئله است که چگونه می توان از طریق بازنگری در برنامه های درسی و پیوند میان منطق، کلام و مهارت های حل مسئله، پتانسیل های ذهنی دانش آموزان را برای مواجهه با شبهات و تحلیل صحیح اطلاعات تقویت کرد. یافته های اولیه نشان می دهد که تقویت تفکر انتقادی، نه تنها باعث ارتقای سطح یادگیری می شود، بلکه پایه و اساس دفاع کلامی و ثبات اعتقادی را نیز در دانش آموزان فراهم می آورد.

واژگان کلیدی: تفکر انتقادی، علم کلام، ارتقای مهارت ها، تربیت معارف، استدلال، دانش آموزان.

مقدمه:

در گذار از عصر صنعتی به عصر اطلاعات، ماهیت دانش و روش های یادگیری تغییرات بنیادینی یافته است. امروزه دانش آموزان در محیطی قرار دارند که با حجمی بی سابقه از داده ها، اطلاعات ناقص و دیدگاه های متناقض روبرو هستند. در چنین بستری، هدف آموزش دیگر صرفاً «انباشت اطلاعات» نیست، بلکه «توانایی مدیریت و تحلیل اطلاعات» است. این توانایی در دو رکن اصلی خلاصه می شود: نخست، مهارت های تفکر انتقادی (Critical Thinking) که به فرد اجازه می دهد فراتر از پذیرش کورکورانه، به پرسشگری، تحلیل و ارزیابی شواهد بپردازد؛ و دوم، مهارت های کلامی (Apologetic/Theological Skills) که به فرد توانایی استدلال منطقی برای تبیین عقاید و پاسخ به پرسش های بنیاد

ین را می بخشد. از منظر رشته الهیات و معارف، تربیت فرد تنها به معنای انتقال احکام و عقاید نیست، بلکه هدف اصلی، تربیت انسانی است که بتواند «ایمان خود را با دلیل و برهان» تبیین کند. دانش آموزی که فاقد تفکر انتقادی باشد، در برابر شبهات و چالش های فکری عصر جدید، آسیب پذیری بالایی خواهد داشت. از سوی دیگر، دانش آموزی که تنها به حفظ کردن مطالب متمایل باشد اما توانایی استدلال کلامی نداشته باشد، نمی تواند پیوند میان دین و واقعیت های علمی را درک کند. بنابراین، ضرورت ایجاد پیوند میان «تفکر انتقادی» به عنوان یک روش ذهنی و «علم کلام» به عنوان یک محتوای معرفتی، بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. بحران های فکری معاصر نشان داده است که ضعف در سیستم های آموزشی در زمینه پرورش مهارت های استدلالی، منجر به بروز پدیده هایی نظیر تقلید کورکورانه، بی اعتقادی ناشی از عدم پاسخگویی و یا آشفتگی ذهنی شده است. اگر دانش آموز نتواند میان حقیقت و باطل، یا میان استدلال درست و مغالطه تمایز قائل شود، نه تنها در مسیر رشد علمی خود دچار مشکل خواهد شد، بلکه در مسیر رشد معنوی و اعتقادی نیز دچار لغزش خواهد شد. با توجه به این ضرورت، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی این پرسش بپردازد که چگونه می توان در ساختار آموزشی، مهارت های تفکر انتقادی را به عنوان پیش شرطی برای توسعه توانمندی های کلامی به کار گرفت. این تحقیق تلاش می کند تا از طریق ارائه راهکارهای کاربردی، از جمله تغییر در سبک های تدریس، استفاده از روش های پرسشگری و پیوند میان منطق و کلام، مسیری برای ارتقای سطح کیفی و فکری دانش آموزان ترسیم کند. در نهایت، هدف این است که دانش آموز از یک «مصرف کننده غیرفعال اطلاعات» به یک «تحلیل گر فعال و مستدل» تبدیل شود که قادر است عقاید خود را با تکیه بر عقل و نقل، در برابر چالش های روزگار اثبات نماید.

یکی از مهمترین نیازهای عصر حاضر در زمینه تربیت افرادی که بتوانند در عرصه های مختلف جامعه حضوری فعال و منطقی داشته باشند، توجه و دستیابی به مهارت تفکر انتقادی است. کسب مهارت های تفکر انتقادی در دیدگاه تربیت انتقادی دارد. یکی از اهداف نهایی تعلیم و تربیت انتقادی، آماده سازی شهروندانی آگاه و انتقادی برای مشارکت در جامعه است. بر این اساس، پرورش مهارت های تفکر انتقادی به عنوان یکی از اهداف بنیادی نظام های آموزشی، اعم از مدارس و دانشگاهها تلقی می شود در دنیای امروز بیش از هر زمان دیگری کسب مهارت های تفکر انتقادی ضرورتی غیر قابل انکار در بازار کار، رویارویی با سوالات مادی و معنوی، ارزیابی دیدگاهها، خط مشی های افراد، موسسات و نهایتاً مواجهه با مشکلات اجتماعی تبدیل شده است برای عملی شدن این مهم معلم باید در افزایش مهارت های تفکر و استدلال شاگردان خود بکوشد و آنها را از مرحله حفظ کردن مطالب به مرحله تفکر سوق دهد و آنها را در یافتن راه حل مناسب که اساس یادگیری توأم با تفکر است، آموزش دهد. به طوری که فراگیران بتوانند مهارت های کسب شده را در دروس گوناگون و موقعیتهای مختلف زندگی استفاده کنند.

تفکر انتقادی



تفکر انتقادی نخستین بار توسط برخی فلاسفه در حدود ۳۵۰ سال قبل از میلاد، مطرح شد. نوشته‌های سقراط، افلاطون و ارسطو، شاگردان آنها را به اکتشاف نظریه‌ها و مفاهیم تشویق میکرد. فلسفه‌های آنان در بردارنده این مطلب بود که غالباً نتیجه نهایی تجزیه و تحلیل واقعیت‌ها و قضایا آن چیزی نیست که در ظاهر امر به نظر میرسد. تجزیه و تحلیل قضایای مربوط به یک واقعیت و تصمیم‌گیری توأم با آن، به منظور کندوکاو کامل مزایا و مخاطرات هر تصمیم‌گیری، به شکل ضروری است پس سابقه تفکر انتقادی به آغاز فلسفه باز میگردد، ولی بعد از تحقیقات جان دیویی هرچه گسترده‌تر مورد توجه قرار گرفته است و کتابهای فراوان درباره آن نوشته شده است. به همین دلیل به عنوان پدر تفکر انتقادی مدرن شناخته می‌شود (2003)، با این حال هنوز به قول لیپمن جنبه‌های مختلف تفکر (جنبه نقدانه، خلاقانه و نوع دوستانه آن) به صورت یک کل، تلاشی صورت نگرفته است و تفکر انتقادی به عنوان پاره‌ای مجزا در نظر گرفته شده است. ابعاد تفکر انتقادی شامل مهارت‌های شناختی و تمایلات عاطفی میشود. بدون گرایش مثبت نسبت به تفکر انتقادی (بعد عاطفی) این نوع تفکر رخ نداده یا زیر سطح استاندارد نمود میکند. تفکر انتقادی، فرآیند فعالیت منظم عقلانی و ماهرانه مفهومی‌سازی، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی مجموعه‌ای از اطلاعات و یا تصمیم آن میباشد که به وسیله مشاهده، تجربه، اندیشه، منطق یا ارتباط به عنوان راهنمای نگرش و رفتار عمل میکند. مهارت‌های ارتباطی میان فردی ارتباط عبارت است از مراحل پیچیده فرستادن و گرفتن پیام‌های شفاهی و غیرشفاهی برای تبادل اطلاعات، احساسات، نیازها و اولویت‌هایی که هدف آن درک متقابل از پیام است. همچنین ارتباط میان فردی، فرآیندی است که طی آن اطلاعات، معانی و احساسات را از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی با دیگران در میان می‌گذاریم. ارتباط را به مهارت‌های کلامی، شنودی و بازخوردی دسته‌بندی می‌کند.

۳ مهارت‌های بنیادی مدل بارثون همچنین یونیسف در سال ۲۰۰۳ سه طبقه کلی برای مهارت‌های زندگی ارائه داده است ۱. ارتباط و روابط بین فردی شامل: مشارکت و کارگروهي، مهارت‌های مذاکره و نه گفتن، همدلی و مهارت‌های روابط بین فردی؛ ۲. مهارت‌های تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی شامل: مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری و مهارت‌های تفکر انتقادی؛ ۳. مهارت‌های مقابله و مدیریت شخصی شامل: مهارت‌های مدیریت استرس، مهارت‌های مدیریت احساسات، مهارت‌هایی برای افزایش منبع درونی کنترل)

تفکر انتقادی چیست؟

تفکر انتقادی عمل، تجزیه و تحلیل واقعیت‌ها برای درک کامل یک مشکل یا موضوع تعریف می‌شود. فرآیند تفکر انتقادی معمولاً شامل مراحل ماندن، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، پرسیدن سؤالات متفکرانه و تجزیه و تحلیل راه‌های ممکن می‌باشد.

به عنوان مثال، شما ممکن است در بخش منابع انسانی یک سازمان کار کنید و نیاز به حل تعارض میان دو کارمند که همکاری‌تان هستند، داشته باشید؛ شما با استفاده از مهارت تفکر انتقادی، می‌توانید ماهیت تضاد و تعارض میان کارمندان را درک کنید و راه حل‌های مناسبی برای حل این تعارضات، پیدا کنید.

چگونه می‌توانیم تفکر انتقادی داشته باشیم؟

در این قسمت به ذکر مراحل که در تفکر انتقادی و برای حل مسئله به کار برده می‌شود، می‌پردازیم:

- در ابتدا باید مسئله و موضوعی که منجر به مشکل شده است، پیدا کنید .
- برداشت‌هایی در مورد اینکه چرا مشکل به وجود آمده است و چگونه می‌توان آن را حل کرد، داشته باشید.
- داده‌ها و اطلاعاتی را در مورد مشکل به وجود آمده، جمع‌آوری کنید.



- سپس، داده ها و اطلاعات را مرتب و سازماندهی کنید. راه حل های مناسبی پیدا کرده و آن ها را عملی کنید.
 - راه حل های کارآمد و غیر کارآمد را شناسایی کنید. راه هایی که منجر به بهبود راه حل ها می شود، پیدا کنید.
- عینیت بخش اساسی تفکر انتقادی است؛ عینیت در تفکر انتقادی بدان معناست که برای حل مشکلات اجازه ندهیم که، تعصبات فردی، احساسات و قضاوت هایمان بر نحوه تفکر و تجزیه و تحلیل مان از اتفاقات، اثر بگذارد.
- یک فردی که مهارت تفکر انتقادی خوبی دارد، با دیدگاهی بی طرفانه و بدون قضاوت، بر اساس اطلاعاتی که در اختیار دارد، مسائل و مشکلات را تجزیه و تحلیل می کند.

تفکر طریقی برای معنادار کردن رابطه های میان رویدادهای مفاهیم، اصول و اشیاء است و تفکر انتقادی هم اندیشیدن درباره شیوه تفکر خود است، به تعبیری مهارت تحلیل عینی اطلاعات و تجارب را تفکر انتقادی تعریف کرده اند. در تفکر انتقادی عوامل موثر بر رفتارها و نگرش ها ابتدا مشخص شده و مورد ارزشیابی قرار می گیرد و سعی می شود از مهارتهای تفکر، بالاترین استفاده مفید صورت گیرد. در مجموع این نوع تفکر، بهره گیری از راهبردها و مهارتهای شناختی به منظور بالا بردن بازه مطلوب رفتارها است. واجدین این نوع تفکر دارای شفافیت مواضع، تصحیح نگرشها و کاهش فشار ناشی از تعارضات و باورهای تحمیلی هستند. به قول معروف افراد دارای تفکر انتقادی حتی فضای لابه لای کلمات را می فهمند و فضای بین خطوط نیز برای آنها تعریف و مفهوم خاصی دارد. تفکر انتقادی را می توان مهارت تحلیلی عینی اطلاعات و تجارب دانست. ارتباط تفکر انتقادی و بهداشت روان در آن است که تشخیص و ارزشیابی عوامل موثر بر رفتار و نگرشها با این ویژگی تسهیل می شود.

فردی که دارای مهارت تفکر انتقادی است می تواند آنچه را به او ارائه یا تحمیل می شود، بدون بررسی دقیق نپذیرد. برای مثال: ارزشها، تعاملات و رسانه ها، بخشی از واقعیتهای زندگی فرد است. تحلیل این عوامل به شفافیت مواضع و تصحیح نگرش های وی کمک خواهد کرد. در نتیجه فشار ناشی از تعارضات و باورهای خام و تحمیلی کاهش می یابد و بهداشت روانی شخص کمتر در معرض آسیبهای جدی قرار می گیرد. آنچه غالباً مانع تفکر انتقادی می شود، نوعی بی مهارتی در تصور مساله در بیرون از خویشتن است. مفهومی که به آن مساله مداری در مقابل خود مداری می گویند. خودمداری، همواره در حکم یک مانع بزرگ ذهنی، انسان را از حل مشکلات خود به طریق عینی باز داشته است. در مقابل مساله مداری، موجب خارج شدن از خود و توجه به خود مشکل می شود. انسانی که دارای تفکر انتقادی است، راه حل ها را یکی پس از دیگری می آزماید. در این حالت، پاسخ های او القایی، ذهنی، عاطفی و بی اساس نیست و از متن واقعیت بر می خیزد. آمیختن خصلتها، امیال و احساسات با مساله، به اتخاذ مواضع یک سو نگر و پیش داوری کم و بیش ناقص و نارسا می انجامد. مطالعات پیاژه روانشناس سوییسی نشان می دهد که مشکل عمده کودکان در مورد واقعیت همین خود محوری است. به باور او در یک روند بهنجار تحولی انتظار می رود که فرد از خودمحوری خارج گردد و به مساله مداری برسد. اما متأسفانه موانع این تحول، فراوان است و نقایص تربیتی، آموزش و ... موجب می شود که او نتواند یک مساله یا مشکل را خارج از خود و فی نفسه مورد بررسی و ارزشیابی قرار دهد. روشن است که نظام تربیتی همواره تفکر انتقادی را ارج می نهد و با تقدیر و تقویت آن، ظهور و مداومت این تفکر را تضمین می کند (خنifer و پور حسینی، ۳۹۸)

مولفه های تفکر انتقادی

برخی از مهم ترین مولفه های تفکر انتقادی شامل، مشاهده کردن، تجزیه و تحلیل کردن شرایط و موقعیت، نتیجه گیری و استنتاج، برقراری ارتباط میان داده ها و اطلاعات، توانایی حل مسئله و به اجرا درآوردن تصمیم است.

مثال های تفکر انتقادی

اگر بخواهیم چند نمونه مثال از تفکر انتقادی بیان کنیم، می توانیم به موقعیت های زیر اشاره کنیم:

و کلاً از تفکر انتقادی در موقعیت های مختلف بهره می برند؛ آن ها برای برنده شدن در پرونده های مختلف نیاز به تفکر انتقادی، بررسی راه حل های مختلف، تصمیم گیری و حل و فصل مسائل دارند. یک پرستار برای اتخاذ درمان مناسب و در لحظه باید وضعیت بیمار را بررسی کند و در نهایت بهترین درمان را انتخاب کند

کاربرد های تفکر انتقادی

تفکر انتقادی در موقعیت های مختلف کاربرد دارد؛ تفکر انتقادی منجر به پیشرفت شغلی می شود؛ فرقی نمی کند که مهندس باشید یا پزشک یا کارمند یا فردی که شغل آزاد دارد، تفکر انتقادی به شما کمک می کند در جایگاه شغلی خود پیشرفت کنید و بهترین باشید.

تفکر انتقادی به شما کمک می کند در هر شرایطی، با بررسی وضعیت بهترین تصمیم را اتخاذ کنید. تفکر انتقادی به بهبود روابط، آرامش بیشتر و خوشحالی بیشتر منجر می شود. تفکر انتقادی مهارت حل مسئله را ارتقا دهد و برای فرد خودمختاری و استقلال به همراه دارد.

مهارت تفکر انتقادی برای کارکردن در هر شغل و صنعتی، چه در سطح مبتدی و چه در سطح پیشرفته، لازم و ضروری می باشد. فردی که دارای تفکر انتقادی باشد، می تواند هم به صورت فردی و هم به صورت گروهی با دیگران کار کند و تعامل خوبی با همکارانش داشته باشد.

مواردی مانند حل مشکلات، مدیریت یا امور مالی را می توان با استفاده از تفکر انتقادی بهبود بخشید. به همین دلیل است که کارفرمایان، اهمیت بیشتری برای استخدام افرادی که دارای این مهارت هستند، قائل می شوند.

5 مهارت مهم در ارتباط با تفکر انتقادی

در این قسمت، به ذکر پنج مهارت متداول و تاثیرگذار تفکر انتقادی

مشاهده

مهارت های مشاهده ای نقطه شروع تفکر انتقادی هستند. افرادی که مشاهده کنندگان خوبی می باشند، خیلی سریع مشکلات را حس کرده و شناسایی می کنند.

همچنین افرادی که مهارت خوبی در مشاهده دارند، درک خوبی از علت مشکل ساز شدن یک موضوع دارند. آن ها ممکن است با توجه به تجربیاتی که دارند، زمان وقوع یک مشکل پیش از اتفاق افتادنش را پیش بینی کنند.

مهارت های مشاهده خود را بر اساس موارد زیر بهبود بخشید:

- کاهش سرعت پردازش اطلاعات
- تمرین توجه بیشتر به محیط اطراف

- یادگیری تکنیک های تمرکز حواس
- یادداشت برداری
- گوش دادن فعال
- بررسی آنچه می بینید و می شنوید

تجزیه و تحلیل

پس از شناسایی یک مشکل، به مهارت تجزیه و تحلیل نیاز داریم. توانایی تجزیه و تحلیل و بررسی مؤثر یک موقعیت، شامل دانستن اینکه چه حقایق، داده ها یا اطلاعاتی در مورد مشکل مهم هستند، می باشد.

همچنین مهارت تجزیه و تحلیل، شامل جمع آوری اطلاعات به صورت بی طرفانه، پرسیدن سؤالات مرتبط در مورد داده ها برای اطمینان از صحت آن و ارزیابی عینی یافته ها می باشد.

مهارت تجزیه و تحلیل خود را بر اساس موارد زیر بهبود ببخشید:

- کسب تجربیات جدید؛ به عنوان مثال، خواندن یک کتاب با مفهومی ناآشنا یا شرکت در کلاس ریاضی آنلاین برای به چالش کشیدن خودتان یا طرح ایده های خلاقانه جدید.

استنتاج

فرآیند استنتاج شامل نتیجه گیری درباره اطلاعاتی می شود که برای حل یک مشکل جمع آوری کرده اید. ممکن است برای داشتن یک نتیجه گیری درست، نیازمند دانش یا تجربه فنی یا خاص در شغل مورد نظر خود باشید.

وقتی دست به نتیجه گیری می زنید یعنی بر اساس اطلاعات محدودی که در اختیار دارید، یک نتیجه کلی می گیرید.

به عنوان مثال، یک مکانیک خودرو، بر اساس اطلاعاتی که در اختیار دارد، باید در مورد مشکل موتور خودرو، تصمیم گیری کند.

- مهارت نتیجه گیری خود را بر اساس موارد زیر بهبود ببخشید:

- تمرکز کردن بر حدس هاس علمی به جای نتیجه گیری سریع

- کاهش سرعت و افزایش دقت در مورد جزئیات

برقراری ارتباط

مهارت های ارتباطی درست در زمان هایی که، باید در مورد مشکل به وجود آمده و توضیح در مورد این مشکل و ارائه راه حل با همکاران و مدیران تان صحبت کنید، لازم و مهم هستند.

مهارت برقراری ارتباط خود را بر اساس موارد زیر بهبود ببخشید:

- مشارکت در بحث های سخت و دشوار؛ مثلاً در موقعیت هایی که شما و همکاران در مورد موضوعی اختلاف نظر دارید برای بهبود این مهارت می توانید با یکدیگر مباحثه کنید.
- ایجاد عادات ارتباطی مناسب مانند گوش دادن فعال، احترام و...
- درک دیدگاه دیگران و بیان ایده و نظرات خود به صورت آرام و منطقی

حل مسئله

پس از شناسایی و تجزیه و تحلیل یک مشکل و انتخاب راه حل، مرحله نهایی اجرای آن راه حل است. در تفکر انتقادی به سبب اجرای بهترین راه حل ها و تعیین کارآمد بودن راه حل و تطابق آن با مشکل به وجود آمده، به مهارت حل مسئله نیاز داریم. مهارت حل مسئله خود را بر اساس موارد زیر بهبود ببخشید:

- تعیین اهداف برای به دست آوردن دانش بیشتر در زمینه ی شغل خود
 - درک قوی از اطلاعاتی که در حیطه شغلی تان وجود دارد .
 - بررسی چگونگی حل مشکلات دیگران در محل کار سوال پرسیدن در مورد تکنیک و فرآیند های کاری دیگر مهارت های مرتبط با تفکر انتقادی
- پنج مهارت انتقادی ذکر شده در قسمت بالا، برای داشتن مهارت تفکر انتقادی موفق، ضروری می باشد. اما چند مهارت نرم مرتبط با تفکر انتقادی وجود دارد. این مهارت ها شامل موارد زیر می شود:

- مهارت های فراشناختی
- مهارت های استدلال استقرایی
- مهارت های خلاقیت
- مهارت های تصمیم گیری
- مهارت های تفکر مفهومی

چگونه مهارت های تفکر انتقادی خود را تقویت کنیم؟

در حالی که ممکن است توانایی بالایی در مهارت های ذکر شده در این مقاله داشته باشید، اما شاید با در نظر گرفتن زمینه های شغلی دیگر، نیاز به بهبود این مهارت ها در خود داشته باشید. شما همیشه می توانید مهارت های تفکر انتقادی خود را از طریق تمرین و دوره های آموزشی بیشتر، بهبود بخشید.

برای ارتقای مهارت های تفکر انتقادی خود، می توانید برخی از مراحل زیر را در نظر بگیرید:

- مهارت های فنی یا خاص صنعت (شغل) خود را گسترش دهید؛ این کار به شناسایی راحت تر مشکلات کمک می کند .

- دوره های اضافی که نیاز به تفکر انتقادی و تحلیلی دارد و مرتبط با شغل و صنعت خودتان است، بگذرانید .
- برای حل مشکلات سازمان و کارفرمای خود، به صورت فعالانه داوطلب شوید .
- از یک فرد آگاه و متخصص در حوزه شغلی و صنعت خود، مشاوره و راهنمایی بگیرید.
- در محیط کار و زمان استراحت، به اتفاق همکارانتان، بازی هایی انجام دهید که نیاز به تفکر انتقادی و نتیجه گیری دارند .
- برای آگاهی بیشتر از نقاط قوت و ضعفتان از یک دوست یا همکار صمیمی بخواهید یک ارزیابی کلی از مهارت های فعلی شما داشته باشد.
- برای پیشرفت در شغل خود یا نوشتن رزومه برای استخدام در شغل مورد نظرتان، مهارت های انتقادی را تمرین عوامل بستر ساز تفکر انتقادی
- عوامل زمینه ساز تفکر انتقادی انگیزش های داخلی بهم پیوسته و مداوم هستند که فرد را به مواجهه با مشکل وادار نموده و سبب می شوند که فرد با بکار گیری تفکر به تصمیم گیری بپردازد. برای ایجاد تفکر انتقادی وجود عوامل زمینه ساز بسیار مهم می باشند. مهمترین عوامل زمینه ساز تفکر انتقادی عبارتند از: جستجوگری، قدرت تجزیه و تحلیل، جستجوی اطلاعات و
- حقایق، انتقاد پذیری، خلاقیت و رشد یافتگی (facion, 1994). همچنین فریدل عوامل زمینه ساز تفکر انتقادی را مجموعه
- ای از یک سری ویژگی های خاص می داند که موجب ایجاد نگرشهای خاص جهت بکار بردن یک سری از مهارتها می گردند. بر خلاف مهارتها که می توان آنها را آموزش داد، برای ایجاد و ارتقاء عوامل زمینه ساز گذشت زمان طولانی مورد نیاز است
- (fridel, 2006). با توجه به مطالب ذکر شده می توان چنین نتیجه گیری نمود که غایت فعالیتهای آموزشی در سطوح مختلف دستیابی و توانمندسازی فراگیران به مهارتهای تفکر انتقادی می باشد. بنابراین ارتقاء عوامل زمینه ساز تفکر انتقادی، پیش فرض اجتناب پذیر جهت دستیابی به این مهم می باشد
- بازی ها و فعالیت های تفکر انتقادی

برخی از بازی های مناسب برای ارتقای تفکر انتقادی عبارت اند از:

- چه می توانید بسازید؛ در این بازی می تواند از وسایل دور ریختنی یا هر وسیله ای که ذهنتان می رسد، استفاده کنید. شما وسایلی مانند خمیر بازی، ماکارانی، بلوک های اسباب بازی، کاغذ رنگی و ... را در اختیار کودک می گذارید و از او می خواهید چیزهای جدید برای شما بسازد.
- داستان سازی؛ در این بازی چند کلمه به کودک می دهید و از او می خواهید با این کلمات داستان جدیدی برای شما بسازد.

- سناریو سازی؛ در این بازی شما باید سوالات چالشی مطرح کنید و از کودک بخواهید به سوالات شما پاسخ دهد؛ مثلاً یکی از سوالاتی که می توانید از کودک بپرسید این است که اگر در یک جزیره دور افتاده گیر بیوفتد، چگونه خود را نجات می دهد؟ پاسخی که کودک به سوالات می دهد را بررسی کنید و با او در خصوص پاسخ ها گفتگو کنید.
- معما مطرح کنید؛ اغلب کودکان از طرح معما و پاسخ دادن به معما خوششان می آید. سوال پرسیدن و طرح معما به کودک کمک می کند تا مهارت تفکر انتقادی خود را ارتقا دهد.

معایب تفکر انتقادی

شاید یکی از مهم ترین معایب تفکر انتقادی این باشد که دیدگاهی جدید به فرد ارائه می دهد و این دیدگاه جدید می تواند باورهای فرد را به چالش بکشد، باورهایی که سالیان سال به آن ها اعتقاد داشته است.

کودکان از سن یک سال و نیم به بعد به تدریج شروع به صحبت کردن و بکاربردن کلمات برای بیان خواسته هایشان می کنند ولی سال اول زندگی کودک حساس ترین دوره زبان آموزی اش به حساب می آید و حس شنوایی نوزادان مبنای هوش زبانی و رشد شناختی شان است. در این دوران محرکات شنوایی (صداها) به نحو مطلوبی دریافت شده و برای فعالیت های پیش زبانی (فعالیت های پایه ای برای شکل گیری و رشد زبان آموزی کودکان) مهم به کار می روند. دریافت تحرکات شنوایی مناسب در این دوره موجب رشد و تکامل زبان آموزی و در مقابل، تحرکات ناکافی مانع از رشد مناسب مسیرهای عصبی شنوایی می شود (نورتثرن، ۲۰۰۰، آلپرینر و مک کارتی، ۲۰۰۰).

گفتگوهای والدین با کودک، صحبت های والدین با خودشان و تلوزیون و رسانه های تصویری و شنیداری به کودک کمک می کنند تا واژه ها و کلمات مختلف را بشنود و به تدریج از آن ها برای بیان نیازهایش استفاده کند. با رشد کودک و افزایش شنیده های محیطی، دایره لغات شفاهی کودک افزایش می یابد و به همراه افزایش واژه ها، رشد فکری کودک نیز بیشتر می شود.

هر قدر توانایی کودک در شنیدن و یادگیری کلمات جدید بیشتر شود، با مفاهیم و مطالب بیشتری آشنا می گردد، به بیان دیگر دنیای ذهنی کودک توسعه می یابد و درکش از دنیای اطرافش بیشتر می شود. هر چقدر کودک در بیان احساسات و افکارش راحت تر باشد، در اذهان عمومی باهوش تر و محترم تر به نظر می رسد. این درحالیست که کودکی با هوش ریاضی و تحلیلی بالا رابطه بین پدیده ها را بهتر و سریعتر درک می کند ولی به دلیل ضعف در بیان ممکن است کم هوش تر به نظر برسد و به طور طبیعی این نقطه ضعف بر اعتماد به نفس و رشد و توسعه سایر قابلیت هایش اثر منفی خواهد گذاشت.

تا قبل از دبستان محور آموزش کودکان بر مهارت های غیرکلامی تکیه دارد و بیشتر در قالب بازی، نقاشی و مهارت های تصویری به توسعه قابلیت های کودک پرداخته می شود. هرچند تفاوت استعداد پایه کودکان از نظر وراثتی از ابتدای زبان باز کردن کودکان قابل مشاهده است. ولیکن دامنه مهارت های اکتسابی که به توسعه هوش کلامی منجر می شود نیز قابل توجه است. مثل تربیت شنوایی، شنیدن کلمات در قالب شعر و داستان، نوشتن و...

با ورود به دبستان و شروع آموزش های کلامی و آموزش های مبتنی بر نیمکره چپ مغز مثل ریاضیات و علوم، اهمیت هوش زبانی و به کارگیری کلمات برای درک مفاهیم اهمیت بیشتری پیدا می کند. وقتی کودک الفبا را می آموزد و توانایی خواندن متون پیدا می کند، علاقه وافر به مطالعه در او شکل می گیرد. این نقطه زمانی برای توسعه علاقه کودک به مطالعه و توسعه دایره لغات و

واژگانش بسیار مهم است. می توان با دراختیار قراردادن کتاب های قصه جذاب و متناسب با این سن کمک بسیار بزرگی به توسعه این بعد از هوش و افزایش دایره واژگان کودک نمود.

توسعه خوب دایره لغات کودک در این دوره به افزایش بیشتر هوش زبانی کودک در سالهای بعدی که نیاز به استدلال کلامی برای درک مفاهیم و بیان آنها افزایش می یابد، منجر خواهد شد. برای اطمینان از به فعلیت رسیدن حداکثر پتانسیل کودک در این زمینه می بایست مهارت های شنیداری و کلامی کودک را قبل از دبستان و در دوره دبستان به طور جدی مورد توجه قرار داد.

این بعد از هوش نیز مانند سایر ابعاد هوش در بین افراد مختلف دارای دامنه ای از تفاوت هاست. از قابلیت کلامی ضعیف تا قدرت بیان خیلی قوی. بدیهی است تفاوت بین کودکان در این بعد کاملاً طبیعی است و هر کودکی در نقطه ای از این طیف قرار می گیرد و با پرورش می تواند به نقطه بالاتری از این طیف انتقال یابد.

حوزه های هوش کلامی

پرورش هوش کلامی یا زبانی به کودک کمک می کند تا با این دنیای شناخته شده ارتباط برقرار کند، و بر توسعه فکر و دانش خود بیفزاید. این نوع از هوش در سه حوزه، بر زندگی فرد تاثیر می گذارد.

۱. ارتباط موثر با والدین و نزدیکان در دوران کودکی
۲. ارتباط با همسالان و دوستان و تقویت موقعیت ها و ارتباطات اجتماعی،
۳. تثبیت و ارتقاء موفقیت شغلی به خصوص در شغل هایی که متکی به مهارت های کلامی هستند.

هوش کلامی یا زبانی مانند هوش هیجانی جزو هوش هایی محسوب می گردد که مهمترین نقش را در ارتباطات اجتماعی دارند و از این جهت اهمیت ویژه ای دارد. هرچند این دو بعد از هوش کمک بسیار زیادی به هم می کنند و رابطه مستقیمی با هم دارند ولی از نظر روانشناسی تعاریف متفاوتی دارند.

راه های تقویت هوش کلامی یا هوش زبانی

هوش کلامی را از بدو تولد می توان در معرض توسعه و پرورش قرار داد و این پرورش تا بزرگسالی تداوم دارد. در دوران نوزادی تا نوپایی و خردسالی موضوع تربیت شنوایی و حرف زدن با کودک بیشترین تاثیر را بر توسعه هوش کلامی اش دارد. حرف زدن با کودک و بیان قصه برای او و به خصوص قصه های صوتی که به افزایش توجه و تمرکز در شنوایی کمک می کند و پس از آن وادار کردن کودک به بیان قصه در مورد تصاویر و همچنین تشویق مستمر او به بیان احساسات و خواسته هایش روش های موثر و مفیدی است. پس از شروع دبستان نیز مطالعه کتاب و حرف زدن و نویسندگی می تواند تکامل این بعد ضروری از قابلیت فرد را تضمین کند.

تربیت شنوایی

حرف زدن با نوزاد و کودک



تا می توانید با نوزاد خود خرف بزنید و با ادای درست کلمات گوش او را با صداها و آواها در کلمات آشنا کنید. به طور متوسط کودکان بعد از یکسالگی و به خصوص یک و نیم سالگی زبان باز می کنند و به تدریج کلماتی را که تا کنون آموخته اند و در انبار ذهنشان ذخیره کرده اند را بازگو می کنند.

تشویق کودک به حرف زدن

کتاب خواندن برای کودک

خیلی خوب است که در فاصله دو تا ۷ سالگی برایشان کتاب قصه بخوانید. قصه کمک می کند تا کودک را با کلمات و مفاهیم متنوع آشنا نمایید و اشتیاق به خواندن را برای سنین بعد از ۷ سالگی در او شعله ور نمایید.

خواندن کتاب و به خصوص کتاب قصه علاوه بر افزایش دایره لغات کودک و آشنایی او با عبارات و مفاهیم در پرورش و تربیت اخلاقی و اجتماعی کودک نیز بسیار موثر است. کودک با تصور خور به جای قهرمان داستان ظرایف اجتماعی و رفتاری را درک می نماید. سپس در موقعیت های واقعی اجتماعی با الگوبرداری از رفتارهایی که در قصه ها تجسم کرده به شبیه سازی قهرمان داستان می پردازد و بسیاری از مفاهیم اخلاقی و اجتماعی را به این روش درک می کند.

تشویق کودک به مطالعه

برای تشویق کودک به مطالعه، متناسب با سن و سطح مهارتش در خواندن، کتابهای مناسب در اختیارش قرار دهید. به خصوص کتاب های قصه جذاب و همچنین کتاب در موضوعات مورد علاقه اش. این روش تجربه مطالعه را در ذهن کودک شیرین و خاطره اش را پایدار می کند و بذر علاقه به مطالعه را در عمق ذهنش می کارد. مطالعه در همه دوره های سنی یکی از موثرترین روش های توسعه دایره لغات و هوش زبانی محسوب می شود.

به خاطر سپردن کلمات جدید، واژه های زیبا و استعارات

تشویق به نوشتن

نگارش نظرات و افکار و مطالعه مجدد آنها بصورت انتقادی نیز یکی از روش های خوب توسعه مهارت های کلامی محسوب می شود. بنویسید و سپس آن را ویرایش کنید. حضور در کلاس های آموزش نویسندگی (داستان نویسی) در سالهای پایان دبستان برای کودکانی که به این موضوع علاقه نشان می دهند نیز برنامه مناسبی است.

بازی با کلمات و حل کردن جدول کلمات متقاطع

در حال حاضر اهمیت بکارگیری و تاثیر جداول کلمات متقاطع برای سیستم آموزشی روشن شده و بصورت گسترده ای در روش آموزش جدید مورد استفاده قرار گرفته است. کار با این جداول در سنین مدرسه و برای بزرگسالان علاوه بر افزایش دایره لغات و واژگان بر قدرت حافظه و توانایی به یادآوری کلمات در جای مناسب نیز بسیار مناسب است. این مهارت یکی از پایه های کلیدی سخنوری محسوب می شود.

استفاده از جداول کلمات متقاطع یکی از ابزارهای سنجش هوش کلامی نیز محسوب می شود.

گوش کردن به صحبت های خود



برای خودتان یا دیگران صحبت یا سخنرانی کنید و آن را ضبط نموده و سپس به سخنان ضبط شده خودتان گوش دهید. با تحلیل نقاط قوت و ضعف فن بیان خودتان برای تصحیح و توسعه این مهارت برنامه ریزی کنید.

منابع:

ادیب.یوسف؛ فردانش.هاشم (۱۳۸۲) مهارت های زندگی مورد نیاز دانش آموزان مقطع راهنمایی ، مجله دانشور رفتار ، دانشگاه شاهد ، سال دهم ، دوره جدید ، شماره ۳، اسفند ۱۳۸۲

احمدی زاده . محمدجواد (۱۳۷۳) بررسی اثر بخشی آموزش مهارت حل مسأله بر برخی از ویژگی های شخصیتی نوجوانان تحت پوشش مراکز شبانه روزی بهزیستی ، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی ، دانشکده علوم تربیتی ، دانشگاه علامه طباطبائی.

اسماعیلی . علی (۱۳۸۳) هنجاریابی آزمون SCL-90-R و مقایسه سلامت روانی دانشجویان دانشگاه های تهران به منظور ارائه خدمات مشاوره های مناسب ، بانک اطلاعات بهداشت روانی دانشجویان

باباپور خیرالدین .جلیل ؛ رسول زاده کاظم ؛ اژه ای . جواد؛ فتحی آشتیانی . علی (۱۳۸۲) بررسی رابطه بین شیوه های حل مساله و سلامت روانشناختی دانشجویان ، مجله روانشناسی علمی - پژوهشی ۲۵ ، سال هفتم ، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲
باباپور خیرالدین .جلیل (۱۳۸۱) بررسی شیوه حل مسأله و حل تعارض و سلامت روانشناختی در میان دانشجویان ، پایان نامه دکتری روانشناسی ، دانشگاه تربیت مدرس تهران

باباپور خیرالدین .جلیل (زیر چاپ) بررسی تأثیر مدیریت تعارض بر سلامت روان شناختی ،مجله روانشناسی دانشگاه تبریز.
باباپور خیرالدین .جلیل؛ صبحی قراملکی. ناصر (۱۳۸۰).اختلالات یادگیری ، چاپ اول، انتشارات سروش ، تهران.
بولتون .رابرت (۱۳۸۱) روانشناسی روابط انسانی ، ترجمه حمید رضا سهرابی ، تهران ، انتشارات رشد.
پوپ . الیس ؛مک هال سوزان ؛ کرای هد ادوارد (۱۳۷۳) افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان ، ترجمه پریسا تجلی ، تهران انتشارات رشد.

حیدری تفرشی . غلامحسین ؛ یوسفی سعید آبادی . رضا ؛ خدیوی . اسدالله (۱۳۸۱) نگرشی نوین به نظریات سازمان و مدیریت در جهان امروز ، تهران ، انتشارات فراشناختی اندیشه ، چاپ اول.

رامشت . مریم ، فرشاد . سیامک (۱۳۸۳) ، بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی در پیشگیری از سوء مصرف مواد دانشجویان ، ارائه در دومین سمینار بهداشت روان دانشجویان اسفند ۱۳۸۳

رمضانخانی . علی ، سیاری علی اکبر (۱۳۷۸) بررسی وضعیت آموزش مهارت های زندگی در نظام آموزش و پرورش ، گزارش تحقیق دفتر یونیسف در ایران و دفتر مطالعات بین المللی وزارت آموزش و پرورش



-دفت. ریچارد ال (۱۹۹۹) مبانی تئوری و طراحی سازمان ، مترجم علی پارساییان و سید محمد اعرابی ، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی ، تهران ، ۱۳۷۸

-دلور. ژاک (۱۳۷۵) یادگیری گنج درون ، ترجمه فاطمه فقیهی و علی رئوف ، تهران ، پژوهشکده تعلیم و تربیت ، تک نگاشت -سایپینگتون .اندورا (۱۳۷۹) ، بهداشت روانی ، ترجمه حمید رضا حسینشاهی برواتی ، تهران ، انتشارات روان.

-سازمان جهانی بهداشت (۱۳۷۷) برنامه آموزش مهارت های زندگی ، ترجمه ربابه نوری قاسم زاده و پروانه محمد خانی ، تهران ، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور -سرمد . غلامعلی (۱۳۷۸) روابط انسانی در سازمان های آموزشی ، انتشارات سمت ،

-شاهرکنی . سید حبیب الله ، (۱۳۸۰) راهکارهای رویارویی با تعارض ، ماهنامه توسعه مدیریت ، شماره ۳۴ ، شریعت یار . ربابه (۱۳۸۳) بررسی رابطه بین جرأت مندی و شیوه های حل مسأله در دانشجویان مقطع کارشناسی مقطع تبریز ، پایان نامه کارشناسی روانشناسی بالینی ، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی ، دانشگاه تبریز . شفیع آبادی . عبدالله ، ناصری . غلامرضا (۱۳۷۵) نظریه های مشاوره و روان درمانی ، مرکز نشر دانشگاهی تهران ، چاپ ۵ -صافی . احمد (۱۳۷۹) "آموزش و پرورش ابتدایی راهنمایی و متوسطه ، تهران ، انتشارات سمت . طارمیان . فرهاد ، مهجویی . ماهیار ، فتحی . طاهر (۱۳۸۳) مهارت های زندگی : کتاب راهنمای اجرای فعالیت های پرورشی دوره متوسطه ، تهران ، انتشارات برگ نفیس

-فرگاس . جوزف . پی (۱۳۷۹) ، روانشناسی تعامل اجتماعی ، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروز بخت ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات ایجد.

-فنسترهایم. هربرت ؛ بر . جین (۱۳۷۳) روانشناسی آموزش قاطعیت ، ترجمه عباس چینی ، چاپ اول ، تهران ، نشر البرز . -کارتلج . جی ؛ میلبرن . جی . اف (۱۳۷۲) آموزش مهارت های اجتماعی به کودکان ، ترجمه محمد حسین نظری نژاد ، مشهد ، انتشارات آستان قدس

-کرمانی . میر جواد (۱۳۸۱) بررسی عوامل مؤثر در پایین بودن سطح مهارت های زندگی دانش آموزان ابتدایی استان آذربایجان شرقی / چکیده نامه پژوهشی ، سال اول ، شماره اول ، زمستان ۱۳۸۲

-کلینیکه . کریس.ال (۱۳۸۰) مهارت های زندگی ، ترجمه شهرام محمد خانی ، تهران ، انتشارات سپند هنر .

-کنرلی . هلن (۱۳۸۲) اختلالات اضطرابی ، ترجمه سیروس مبینی ، تهران ، انتشارات رشد .

-کیامنش . علیرضا (۱۳۷۹) سنجش صلاحیت های دانش آموزان پایه پنجم دبستان ، گزارش تحقیق ، تهران ، پژوهشکده تعلیم و تربیت

-محمدی فریده ؛ صاحبی . علی (۱۳۸۰) بررسی سبک حل مساله در افراد افسرده و مقایسه آن با افراد عادی ، مجله علوم روانشناختی ، جلد اول ، شماره اول ، ۴۲-۲۴